

وأما أحكامه

احكام

فثمانية:

هشت گانه:

الأول: إذا ذكر الأجل والمهر صح العقد، ولو أخل بالمهر مع ذكر الأجل بطل العقد، ولو أخل بالأجل حسب بطل منقطعاً وانعقد دائماً.

اول: اگر مدت و مهریه هر دو ذکر شوند عقد صحیح است. اگر مدت را ذکر کند اما مهریه را ذکر نکند عقد باطل است و اگر فقط مدت را ذکر نکند عقد ازدواج موقت بسته نمی شود، بلکه عقد دائم منعقد می شود.

الثاني: كل شرط يشترط فيه فلا بد أن يقرن بالإيجاب والقبول، ولا حكم لما يذكر قبل العقد ما لم يستعد فيه، ولا لما يذكر بعده، ولا يشترط مع ذكره في العقد إعادته بعده.

دوم: هر شرطی که ضمن عقد قرار داده می شود باید همزمان با ایجاب و قبول باشد،⁽¹⁾ و شرطهایی که پیش از عقد گفته می شود تا وقتی که در حین عقد تکرار نشود معتبر نیست؛ همچنین است شروطی که بعد از عقد ذکر شوند، و اگر شرط را در عقد ذکر کردند لازم نیست آن را دوباره بعد از عقد هم تکرار کنند.

الثالث: للبالغة الرشيدة (وهي من أتمت 18 عاماً لا من بلغت سن التكليف عاقلة فقط) أن تزوج نفسها، وليس لوليها اعتراض، بكرراً كانت أو ثيباً.

سوم: دختر بالغ رشیده (که سن 18 سالش را تمام کرده باشد نه اینکه فقط عاقل و به سن تکلیف رسیده باشد) -باکره باشد یا بیوه- جایز است که خود را به ازدواج در بیاورد و ولی او حق اعتراض ندارد.

1- یعنی باید در عقد ذکر شود و طرف مقابل آن را بپذیرد. (مترجم)

الرابع: يجوز أن يشترط عليها الإتيان ليلاً أو نهاراً.

چهارم: جایز است بر زن شرط کند که شبانه یا روزانه نزد او برود.

الخامس: يجوز العزل للزوج ، ولا يقف على إذنها، ويلحق الولد به لو حملت وإن عزل؛ لاحتمال سبق المنى من غير تنبه.

پنجم: جایز است مرد بدون اجازه زن عزل کند⁽²⁾ و نیازی به اجازه او ندارد، و اگر عزل کند و با این وجود زن حامله شود، فرزند به مرد نسبت داده می‌شود، چون احتمال دارد منی ناخواسته به او سرایت کرده باشد.

السادس: لا يقع بها طلاق، وتبين بانقضاء المدة. ويقع لعان، ويقع بها ظهار وإيلاء، ويحرم ترك وطئها أكثر من أربعة أشهر كالدائمة.

ششم: زن در عقد ازدواج موقت نمی‌تواند طلاق بگیرد و با تمام شدن زمان عقد از او جدا می‌شود، ولی لعان، ظهار و ایلاء بر این زن واقع می‌شود، و مانند زن دائم حرام است که بیش از چهار ماه با او نزدیکی نکند.

السابع: لا يثبت بهذا العقد ميراث بين الزوجين، ولو شرطاً التوارث أو شرطاً أحدهما يلزم عملاً بالشرط.

هفتم: در عقد موقت زوجین از هم ارث نمی‌برند، و اگر هر دو و یا یکی از دو طرف ارث بردن را شرط کرده باشند، باید به آن عمل کنند.

الثامن: إذا انقضت أجلها بعد الدخول فعدتها حيضتان، وإن كانت لا تحيض ولم تئس فخمسة وأربعون يوماً. وتعد من الوفاة، ولو لم يدخل بها، بأربعة أشهر وعشرة أيام إن كانت حائلاً، وبأبعد الأجلين إن كانت حاملاً. ولو كانت أمة كانت عدتها حائلاً شهرين وخمسة أيام.

هشتم: هنگامی که زمان عقد تمام شود و نزدیکی کرده باشند، عدّه زن دو حیض است، و اگر از زنانی است که حیض نمی‌بیند و یائسه نباشد، چهل و پنج روز عدّه نگه می‌دارد، و اگر حامله نباشد برای وفات شوهرش چهار ماه و ده روز عدّه نگه می‌دارد، حتی اگر با او نزدیکی نشده باشد، و اگر حامله باشد به دورترین مدت (چهار ماه و ده روز و یا وضع حمل) عدّه نگه می‌دارد. کنیزی که حامله نباشد، عدّه‌اش دو ماه و پنج روز است.

